

# تأثیر سبک زندگی اسلامی بر پیشگیری از جرائم مالی

محمد رضا میرزایی<sup>۱</sup>

رضا دانشورثانی<sup>۲</sup>

## چکیده

در جوامع مختلف، به دلیل عوامل محیطی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فردی، سبک‌های زندگی متفاوت و بعضاً متضادی وجود دارد. یکی از انواع سبک زندگی، سبک زندگی اسلامی است. نتیجه به دست آمده حاکی از آن است که بین سبک زندگی اسلامی و پیشگیری از جرم رابطه تنگاتنگی وجود دارد. بر اساس آموزه‌های اسلام، عوامل مختلفی می‌تواند در کاهش و پیشگیری از جرم، اثرگذار باشند. بعضی از این عوامل مربوط به سبک زندگی والدین است؛ مانند پرهیز از خوردن غذای حرام، دعا کردن و طلب فرزند صالح از خداوند، دوری از صفات رذیله، دوری از هیجان‌ات روحی، ایجاد محیطی آرام و سالم در خانواده، ایجاد روابط صمیمی میان اعضاء خانواده، ابراز محبت نسبت به فرزندان، تأمین نیازهای مادی و معنوی فرزندان، تحت تعلیم و تربیت صحیح قرارداد فرزندان و هر کاری که باعث می‌شود تا فرزندان به سمت بزهکاری کشیده نشود. همچنین از جمله عواملی که دین اسلام به شدت روی آن‌ها تأکید داشته و باعث می‌شود تا انسان به سمت بزهکاری کشیده نشود مربوط به وظیفه شخص مکلف است که اگر آن‌ها را در سبک زندگی، متجلی سازند، به جرم و جنایت کشیده نمی‌شوند. برخی از این عوامل عبارت‌اند از ایمان و اعتقاد به وحدانیت خداوند و اینکه او، همیشه ناظر بر اعمال ما است، اعتقاد به معاد و روز رستاخیز، انجام اعمال عبادی و تربیتی مثل خواندن نماز، داشتن اخلاق نیکو، انفاق و احسان به هم‌نوع، معاشرت با نیکان و افراد صالح، صبر بر مشکلات، دوری از تجملات، قناعت داشتن و به‌طور کلی متخلف شدن به اخلاق نیک و انجام هر آنچه که خداوند به آن دستور داده است.

**کلیدواژه:** سبک زندگی، زندگی اسلامی، بزهکاری، پیشگیری، جرائم مالی.

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، جامعة المصطفی (ع) العالمية، کابل، افغانستان. (نویسنده مسئول)

۲. استاد جامعة المصطفی (ع) العالمية، خراسان، ایران.

## مقدمه

از جمله موضوعاتی که امروزه مورد توجه بسیاری از دانشمندان، به‌خصوص دانشمندان علوم اجتماعی، قرار گرفته است، موضوع «سبک زندگی» است. سبک زندگی نظام خاصی از زندگی است که به یک فرد، خانواده و یا جامعه اختصاص دارد. این نظام، در حقیقت هندسه کلی رفتار بیرونی است که افراد، خانواده‌ها و جوامع را از هم متفاوت می‌سازد.

از آنجاکه دستورات دینی می‌تواند بر سبک زندگی افراد تأثیرگذار بوده و زمینه رشد و شکوفایی آن‌ها را فراهم کند، لذا سبک زندگی دینی به‌ویژه زندگی اسلامی می‌تواند عاملی باشد که فرد را قادر سازد تا ضمن شناخت بهتر خود و دیگران، به ایجاد ارتباط مناسب با مردم و سازگاری با محیط و اجتماع پردازد؛ زیرا رفتار افراد، یکی از عواملی است که از سبک زندگی تأثیر پذیرفته و تحت تأثیر عوامل اجتماعی قرار دارد. این رفتار، زمانی می‌تواند شخصیت انسان را به کمال برساند که بین او و محیط اطرافش، ارتباط مناسبی وجود داشته باشد.

سبک زندگی مطلوب، در سبک زندگی اسلامی تجلی پیدا می‌کند. چون منبع اصلی سبک زندگی اسلامی قرآن کریم است که خداوند، برنامه زندگی سعادتمندانه بشر را در آن بیان نموده است؛ و بر مسلمانان لازم است که زندگی خود را بر اساس کلام الهی پایه‌ریزی نماید؛ زیرا شایسته نیست که جامعه اسلامی، با داشتن ذخایر عظیم معرفتی و فرهنگی، از فرهنگ‌های بیگانه الگو برداری کند.

سبک زندگی اسلامی را می‌توان بهترین شیوه زندگی فردی و اجتماعی دانست. زیرا دین اسلام، با دستورالعمل‌های که ارائه نموده، بهترین سبک زندگی فردی و اجتماعی را برای پیروان خود بیان کرده است؛ در حقیقت این دستورالعمل‌ها، برای هرچه بیشتر و بهتر پرورش دادن افراد جامعه است تا در سایه تعالیم متعالی اسلامی، جامعه به رشد و بالندگی دست پیدا کرده و راه رسیدن به قله‌های کمال و سعادت را پیش گیرد.

هدف دین اسلام از ارائه آن دستورات، پرورش یافتن افراد جامعه و رسیدن به سعادت و کمال مطلوب است؛ و این امر محقق نمی‌شود مگر این‌که افراد جامعه با انجام واجبات و دوری از محرّمات و متخلّق شدن به اخلاق حسنه، تلاش کنند تا به این مهم دست پیدا

کنند. از دیدگاه اسلام، عامل تقوا و پرهیزگاری، در تمامی زمینه‌های حیات بشری، از جمله اصلاح ناهنجاری‌های رفتاری و پیشگیری از جرائم و انحرافات اجتماعی مؤثر و کارساز است و حکم درمان ریشه‌ای را برای تمامی مفسد اخلاقی، رفتاری و اجتماعی در زندگی انسان دارد.

از آنجاکه امروزه پیشگیری از جرم، مورد توجه بسیاری از نظام‌ها و مکاتب حقوقی قرار گرفته است، در هر نظام و مکتب حقوقی به تناسب مبانی و تعاریفی که برای جرم و بزهکاری ارائه می‌شود، راهکارهای پیشگیری از جرم نیز، متفاوت بیان شده است. یکی از راهکارهایی که برای پیشگیری از جرم پیشنهاد می‌شود، «پیشگیری دینی» است که همواره مورد توجه اندیشمندان علوم اجتماعی به‌ویژه جرم‌شناسان بوده است. به همین جهت در نظام حقوقی اسلام نیز، یکی از راه‌های پیشگیری از جرم، «تبلیغ و بیان آموزه‌های اسلامی» که همان نشر تعلیمات دینی و اخلاقی برای تهذیب نفس و تعدیل تمایلات و غرایز انسانی است، معرفی شده است. در این نوشتار تلاش میشود رابطه و تأثیرگذاری سبک زندگی اسلامی بر کاهش جرایم مورد بررسی قرار گیرد.

### ۱. تعریف سبک زندگی اسلامی

سبک زندگی اسلامی به این معنی است که در زندگی شخصی، خانوادگی و اجتماعی افراد، قواعد، الگوها، قالب‌ها و ملاک‌های اسلامی نقش مهمی ایفا می‌کند؛ یعنی روش‌ها، طبق آنچه اسلام بیان نموده و خواسته است به کار گرفته می‌شود (محمدزاده، ۱۳۹۵: ۱۷). طبق این برداشت، اسلام به‌عنوان بنیان و اساس سبک زندگی انسان مطرح است. در واقع یکی از مهم‌ترین نوآوری‌ها در مفهوم سبک زندگی اسلامی این است که به آموزه‌های اسلام و کلیت اسلام توجه شده است. سبک زندگی اسلامی به این دلیل که اسلامی است، در برگیرندهی مؤلفه‌های اجتماعی، اخلاقی، خانواده، عبادی، سلامت، علم، امنیت و باورها و عقاید است. به همین جهت برخی از دانشمندان مسلمان در تعریف سبک زندگی گفته‌اند: «سبک زندگی ناظر به مسائلی است که متن زندگی انسان را در دین شکل می‌دهد.» (محمدزاده، ۱۳۹۵: ۱۸۵) به عبارتی، وقتی از چگونگی زیستن مؤمنانه سخن به میان می‌آید، تمام مسائلی

را که آدمی، در متن زندگی با آن مواجه است، باید مدنظر قرار داد؛ از این رو گستره سبک زندگی در عرصه وسیعی از رفتار آدمی با خدا، خود، جامعه، خانواده و حتی طبیعت را در برمی گیرد.

در قرآن کریم نیز، به نوعی از زندگی اشاره شده که از آن، به زندگی پاکیزه (حیات طیبه) تعبیر شده است و مصداق اتم سبک زندگی اسلامی به حساب می آید؛ چنانکه خداوند می فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل، ۹۷)؛ یعنی هرکس از مرد و زن کار شایسته و عمل صالح انجام دهد؛ درحالی که مؤمن است، مسلماً او را به زندگی پاک و پاکیزه ای زنده می داریم. این آیه شریفه بیانگر اعطای حیات طیبه از سوی خداوند متعال، به کسانی است که ایمان خود را با عمل صالح، تکمیل نماید. اما این که منظور از این زندگی نیکو و پاکیزه چیست، اقوال مختلفی بیان شده است. برخی گفته اند مقصود، روزی حلال و یا رضایت و خوشنودی الهی است؛ و یا ممکن است بهشت برین و نیز زندگی پاکیزه در عالم قبر باشد. اما می توان گفت مفهوم حیات طیبه بسیار وسیع و گسترده است و مقصود، زندگی پاکیزه از آلودگی ها، ظلم ها، خیانت ها، عداوت ها و هرگونه چیزی که آب زلال زندگی را در کام انسان ناگوار می سازد، در برمی گیرد.

## ۲. رابطه سبک زندگی اسلامی با پیشگیری از جرم

بر اساس مطالعاتی که دانشمندان و حقوق دانان انجام داده اند، می توان گفت رابطه تنگاتنگی بین سبک زندگی و جرم وجود دارد. به طوری که اگر افراد جامعه، سبک زندگی اسلامی را اختیار نموده و در امور زندگی، دستورات دین اسلام را سرلوحه کار خود قرار داده و به آن عمل نمایند، در آن جامعه بزهکاری و جرم به شدت کاهش پیدا خواهد کرد. اصولاً دین مبین اسلام، به پیشگیری از جرم اهتمام جدی داشته و به همین دلیل قبل از هر چیز، به عوامل به وجود آورنده و زمینه های گناه و جرم توجه کرده و برای مقابله با آن ها، با واقع بینی تمام چاره اندیشی نموده است.

قرآن کریم به عنوان مهم ترین و متقن ترین منبع اسلامی، به موضوع پیشگیری از جرم، توجه ویژه ای دارد. هر چند که در قرآن به طور مستقیم کلمه «پیشگیری» به کار نرفته است،

اما به شکل ضمنی آیات فراوانی بر این مسئله دلالت می‌کند. برای مثال، بیشتر آیات نهی از منکر، به نوعی انسان را از چیزی (گناه) بر حذر می‌دارند که این خود، بدون شک نوعی پیشگیری از وقوع گناه است (توسلی و صادقی، ۱۳۹۴: ۵۱).

تاریخ پیشگیری قرآنی، مقدم بر حقوق جزا و جرم‌شناسی است. در ماجرای قتل هابیل توسط قابیل که در آیات ۲۷ تا ۳۱ سوره مائده ذکر شده است، عدم قبولی قربانی قابیل از جانب خداوند به خاطر بی‌تقوایی او اعلام می‌شود؛ و علت این‌که هابیل مبادرت به قتل قابیل نمی‌کند، این بوده که اولاً، از خدا می‌ترسد و ثانیاً، نمی‌خواهد با کشتن قابیل مرتکب گناه و اهل آتش گردد. همچنین نهی خداوند متعال از کشتن فرزندان بی‌گناه مشرکان مکه که توسط پدرانشان صورت می‌گرفت، مؤید نگاه پیشگیرانه قرآنی نسبت به جرم و قتل است. اگرچند که مقتول، فرزند یک مشرک یا کافر باشد. چنانکه می‌فرماید: «وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (تکویر، ۷)؛ یعنی پرسند از آن دخترک زنده به گور، به کدامین گناه کشته شده است؟ همچنین در داستان حضرت یوسف و زلیخا که می‌فرماید: «وَلَقَدْ هَمَمْتُ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ» (یوسف، ۲۴) یعنی آن زن قصد او را کرد و او نیز اگر برهان پروردگار را نمی‌دید قصد وی را می‌نمود، این چنین کردیم تا بدی و فحشا را از او دور سازیم چراکه او از بندگان مخلص ما بود. در این آیه خودداری حضرت یوسف از پذیرش درخواست زلیخا را، روشن شدن برهان الهی به آن حضرت بیان می‌کند.

چنانکه ملاحظه شد، اگر انسان‌ها به‌ویژه مسلمانان به دستورات خداوند و آموزه‌های اسلام که در قرآن بیان شده توجه کند، نه تنها دست به ارتکاب جرم نمی‌زند، بلکه همواره او را در مسیر رشد و تعالی قرار داده و از لغزش‌ها، انحرافات اجتماعی و ارتکاب جرائم، دور نگه می‌دارد. اما علت اینکه متأسفانه بعضی افراد به سمت بزهکاری رفته و دست به ارتکاب جرم می‌زنند، به خاطر این است که اولاً، به دستورات خداوند و دین اسلام توجه ندارند و ثانیاً، عوامل دیگری وجود دارد که باعث می‌شود تا افراد، مرتکب جرم شوند.

### ۳. عوامل مؤثر در ارتکاب جرم

اصولاً ارتکاب هر جرمی ناشی از عوامل مختلف جسمی، روحی- روانی، شخصیتی و اجتماعی است. مطالعات انجام شده در رشته‌های جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی کیفری و روان‌شناسی کیفری نشان می‌دهد، اکثر افرادی که به ارتکاب جرائم به‌ویژه به‌صورت حرفه‌ای دست می‌زنند، افرادی هستند که از لحاظ اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی و روحی- روانی آسیب‌پذیراند. درواقع فشار عوامل مختلف موجب سقوط افراد به ورطه ارتکاب جرم می‌شوند.

با توجه به مطالب فوق، می‌توان گفت که نرخ ارتکاب جرم، تابعی از عوامل مختلف از جمله متغیرهای اقتصادی است که به نحوی با سطح درآمد افراد در ارتباط است. بر اساس مبانی نظری و شواهد تجربی، عوامل مختلفی مانند فقر، بیکاری، محرومیت، شهرنشینی، زیاده‌خواهی، تورم، نابرابری‌های اقتصادی و درآمدی و...، در ارتکاب جرایم مالی نقش دارند که به صورت مختصر به بررسی برخی آن‌ها می‌پردازیم:

#### ۱-۳. فقر

به عقیده بسیاری از حقوق‌دانان، فقر یکی از عوامل مهم ارتکاب جرم، از جمله جرائم مالی است؛ زیرا با افزایش فقر، شانس ورود به جرائم علیه اموال افزایش یافته و در حقیقت ارتباط مستقیمی بین فقر و جرم و جنایت وجود دارد. (فطرس و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۸۵)؛ زیرا بسیاری از بزهکاران در مقابل فقر مادی توانایی مقاومت نداشته و دست به ارتکاب جرائم مختلف، از جمله جرائم مالی می‌زنند.

فقر و جرم از چند جهت با یکدیگر رابطه دارد. جهت اول، مربوط به وضع فقرا می‌شود و معطوف به این امر است که فقرا وقتی مشاهده می‌کنند نظم و ترتیبات موجود در جامعه برای آن‌ها منفعی در پی ندارد، آن نظم را بر نمی‌تابند و به‌راحتی علیه آن شورش کرده و آن را برهم می‌زنند؛ درواقع نظم برای آن‌ها مشروعیت ندارد. هنگامی که فقر ناشی از بی‌عدالتی و فاصله طبقاتی باشد، موجبات احساس محرومیت را در فقرا به وجود می‌آورد. این احساس محرومیت، به‌نوبه خود باعث به وجود آمدن احساس سرشکستگی و ناکامی و در نتیجه منجر به خشونت می‌شود.

جهت دوم آن، مربوط به اغنیا است. در واقع احساس غلو و خودبزرگ بینی که در بعضی از اغنیا وجود دارد، خود، مولد فقر است. زیرا جرایمی که معمولاً یقه سفیدان مرتکب می شوند، جرایمی هستند که ممکن است خیلی به عنوان جرم در جامعه محسوب نگشته و یا به دلیل ارتباط با منابع قدرت و ثروت، در تله محاکم، گرفتار نگردند که در واقع نوع عملکرد آن‌ها، تولید فقر می کند. جهت سوم اینکه به خاطر دسترسی ثروتمندان به منابع قدرت و حاکمیت است که فقر تولید می شود؛ یعنی، قوانین به گونه ای وضع می شوند که منافع اغنیا را تضمین کرده و عملاً خواسته آن‌ها را در پی داشته باشد.

در ادبیات اقتصادی، دو نوع فقر وجود دارد: اول، فقر مطلق که به عنوان تأمین حداقل هزینه های لازم زندگی برای کسب رضایت در تأمین سلامت و بهداشت تعریف می شود و قابل اندازه گیری است. دوم، فقر نسبی که در این حالت فرد حداقل ها را داشته اما نسبت به سایر گروه های درآمدی جامعه، فقیر محسوب می شود (صادقی و همکاران، ۱۳۸۴: ۶۹). فقر به طور مستقیم و یا غیر مستقیم باعث افزایش فعالیت های مجرمانه می شود. بنابراین می توان گفت در هر جامعه ای، نرخ جرم، رابطه ای مستقیم با نرخ فقر دارد و افزایش فقر منجر به افزایش جرم می گردد. مطالعات تجربی نیز، نشان می دهد که فقر، با برخی از جرائم مانند سرقت رابطه مستقیم دارد (صادقی و همکاران، ۱۳۸۴: ۶۷).

با توجه به مطالب فوق می توان گفت: درست است که فقر، باعث افزایش فعالیت های مجرمانه می شود، اما به تنهایی ممکن است آسیبی به جامعه وارد نکند، چنانکه بسیاری از مردم به ویژه روستائیان با وجود دارا بودن سطح پایینی از زندگی، کمتر دست به هرگونه جرم و جنایتی می زنند؛ بلکه فقر زمانی مخرب خواهد بود که در مقابل آن، آرزوهای بلندپروازانه ای وجود داشته باشد. در این صورت است که فقر غیر قابل تحمل می شود.

علاوه بر آن، فرآیند تبدیل ثروت به یک ارزش، جریان خطرناکی برای جامعه خواهد بود؛ زیرا این فرآیند، ثروت را به یک ارزش مثبت و فقر را به یک ارزش منفی تبدیل می کند. وقتی ثروت در جامعه به نمایش گذاشته شده و تبدیل به یک ارزش شود، در حقیقت ترویج تجمل گرایی صورت می گیرد که به نتایج زیانباری منتهی خواهد شد. چون وقتی انسانی با تغییر ارزش ها و ارزشمند شدن پول، خود را شدیداً نیازمند به پول احساس کند و امکان

افزایش در آمد مشروع برایش موجود نباشد، چه بسا به راه‌های نامشروع توسل جسته و مرتکب جرائم مختلفی از جمله جرائم مالی شود.

## ۲-۳. بیکاری

بیکاری یکی از متغیرهای مهم و کلان اقتصادی می‌باشد که همواره مورد توجه سیاست‌گذاران کشورها بوده و هست. این امر به لحاظ اثرات و تبعات منفی اقتصادی-اجتماعی، حائز اهمیت است. زیرا به‌طور مشخص بیکاری بر بسیاری از پدیده‌های اجتماعی به‌خصوص جرم، تأثیرگذار بوده و از لحاظ مبانی نظری نیز مورد تأیید است (صادقی و همکاران، ۱۳۸۴: ۶۹). وقتی نرخ بیکاری بالا باشد و افرادی که شغل خود را از دست داده و یا موفق به یافتن شغل نشده افزایش یابند، فرصت ورود به فعالیت‌های غیرقانونی و ارتکاب جرم مانند سرقت و... افزایش می‌یابد (فطرس و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۸۴). رابطه‌ای مثبتی که بین بیکاری و جرم برقرار است این است که فرد بیکار، قادر به حفظ استاندارد خاص زندگی خود نیست؛ بنابراین، بیکاری، فرد را مجبور به وارد شدن در فعالیت‌های مجرمانه می‌کند (صمدی، ۱۳۹۲: ۱۹۵).

اصولاً اشتغال افرادی که به سنین کار می‌رسند، یک الزام خاص اجتماعی-اقتصادی است. بیکاری این گروه سنی، از بابت تهدید امنیت ملی و اجتماعی قابل بررسی است؛ زیرا اشتغال، نوعی مجوز زندگی مستقل است. بیکاری می‌تواند به انحراف و سرخوردگی نسل جوان و بحران‌های اجتماعی منجر گردد؛ زیرا فرد بیکار، افکار منفی به ذهنش خطور کرده و ممکن است آن‌ها را عملی کند. در واقع، می‌توان گفت، وقت‌های تلف‌شده و افکار منفی (که در زمان بیکاری به سراغ انسان می‌آید) آفت زندگی هر فرد، خصوصاً جوانان تحصیل‌کرده است که متعاقباً ممکن است باعث جرم‌خیزی و یا بسترسازی جرم شود.

جامعه بیش از اینکه به پول و رفاه احتیاج داشته باشد، نیازمند کار سازنده است. چون اگر کار و جود نداشته باشد، احتمال دست زدن به انواع جرم از جمله جرائم مالی و سایر انحرافات اجتماعی وجود دارد؛ بنابراین هر جامعه‌ای برای تداوم حیات و بقاء، به کار و فعالیت احتیاج داشته و هرچه زمان بگذرد بر اهمیت آن افزوده می‌شود. علاوه بر آن، کار، سرمایه و ذخیره ملی است و می‌تواند به رشد تمدن و مدنیت یک کشور کمک شایانی کند.



مهم‌ترین منشأ پیدایش فقر، محرومیت، ناهنجاری و تنش‌های اجتماعی است که متأسفانه امروزه دامن‌گیر کشورها به‌خصوص جوامع جهان سوم شده است و از لحاظ جرم‌شناسی، بیکاری، یک عامل مؤثر اجتماعی در بروز بزهکاری مورد سنجش واقع می‌شود. زیرا این عامل، در طولانی مدت، تأثیر مخربی بر شخصیت و روحیات فرد بیکار می‌گذارد به طوری که ممکن است بسیاری از کسانی که در شرایط عادی در برابر وسوسه ارتکاب جرم، مقاومت می‌کنند، در شرایط بحران بیکاری دست به ارتکاب عمل مجرمانه بزنند که این مسئله خود، زمینه مساعدی را جهت توسعه و گسترش جرائم، به‌خصوص جرایم مالی، ناهنجاری‌های اجتماعی، قاچاق مواد مخدر، قاچاق کالا و... به وجود خواهد آورد. لذا وظیفه مسئولین و مدیران اجرایی جامعه و کشورهای اسلامی است که با آگاهی از اینکه بین بیکاری و جرم رابطه مهم و مستقیمی وجود دارد، با سرمایه‌گذاری هم‌زمان در امور اجتماعی و اقتصادی در رفع معضلات جامعه بکوشند.

با توجه به مطالب فوق، می‌توان گفت که ایجاد امنیت شغلی از جمله وظایفی است که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر بر عهده دولت‌ها نهاده شده است. زیرا تأمین نیازهای اساسی زندگی، مستلزم کسب درآمد و داشتن شغلی مطمئن و درآمدزا است. در نظام بین‌المللی، علاوه بر شناسایی حق کار همراه با شرایط منصفانه، حمایت کارگران در مقابل بیکاری بر اساس ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی لحاظ گردیده است. در ماده ۱۳ اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز آمده است: «... هر انسان، آزادی حق انتخاب کار شایسته را دارد به‌گونه‌ای که هم مصلحت خود و هم جامعه برآورده شود... و نباید او را به کاری که توانش را ندارد واداشت یا اکراه به کاری نمود» (تقی پور، ۱۳۹۳: ۱۳۱).

در راستای پیشگیری از فقر نیز ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مقرر کرده‌اند که «هرکس حق دارد از سطح زندگی شایسته برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش از حیث خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و دیگر خدمات اجتماعی لازم برخوردار باشد...» (تقی پور، ۱۳۹۳: ۱۳۱).

### ۳-۳. محرومیت اجتماعی

یکی از عواملی که باعث بزهکاری افراد شده و سبب می‌شود که عده‌ای به سمت جرم روی آورند، محرومیت اجتماعی است. محرومیت اجتماعی به‌عنوان واقعیتی جدید همواره مورد توجه اندیشمندان اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی بوده است.

به لحاظ تاریخی، بررسی علمی مسئله فقر و محرومیت، پس از انقلاب صنعتی و شروع به کار کارخانه‌ها و شکل‌گیری طبقه جدید کارگر در کشورهای صنعتی مورد توجه قرار گرفت. با صنعتی شدن جوامع، بسیاری از مردان و زنان فقیر، از روستاها به شهرهای جدید صنعتی مهاجرت نمودند و به‌عنوان کارگر در کارخانه‌ها و معادن مشغول به کار شدند. از طرفی چون توان مالی آنان بسیار ضعیف بود مجبور به سکونت در مناطق فقیر و حاشیه شهر شدند. با بروز پدیده حاشیه‌نشینی و وقوع مهاجرت‌های گسترده، از آنجاکه برای سکونت این گروه و برآورده نشدن خواسته‌ها و نیازهایشان از قبل، برنامه‌ریزی نشده بود، خودبه‌خود موجب بروز مشکلات و مسائل فراوانی مانند نبود مسکن مناسب، آموزش، بهداشت و... شد. که در نتیجه فقر و محرومیت و به دنبال آن، نابرابری‌ها و شکاف طبقاتی به شکل جدید بروز نمود. در کشورهای توسعه‌نیافته به دلایل گوناگون، نظیر عدم بسط و تکمیل وسایل ارتباط جمعی، عدم برخورداری اقشار مختلف از آموزش و سواد، وجود نظام‌های مستبد، نبود احزاب و گروه‌های سیاسی، فقدان جامعه مدنی و...، اگر از محرومیت اجتماعی سخن به میان می‌آید، بیشتر جنبه مادی آن مدنظر است؛ نه مسائلی همچون مشارکت مردمی، وجود احزاب و گروه‌ها، آموزش، مطبوعات، رسانه‌های گروهی نیرومند و منزلت اجتماعی و حقوق شهروندی.

لذا طرح مسئله محرومیت اجتماعی در کنار توجه به مسئله فقر و فقرزدایی، قابل توجه و بررسی است که متأسفانه کمتر به این موضوع توجه شده است و اگر گام‌های هم برداشته شده، موفقیت چندانی در این زمینه کسب نشده است. مهم‌ترین راهکار عملی که صورت گرفته، اهداء کمک‌ها و مساعدت‌ها به خانواده‌های فقیر و محروم بوده است که آن‌هم بیشتر از سوی نهادها و مؤسسات خیریه صورت گرفته است.

در چند سال اخیر با ظهور تعداد محدودی سازمان‌های غیردولتی (N.G.O) مسئله فقر

و محرومیت مورد توجه قرار گرفت؛ اما به‌راستی آیا راه رفع یا کاهش محرومیت، تنها کمک و مساعدت‌های خیریه‌ای است؟ مهم‌تر اینکه حتی اگر این مساعدت‌ها، راهی برای رفع محرومیت باشد، تنها از نظر مادی فقر و محرومیت را کاهش خواهد داد ولی محرومیت‌های اجتماعی همچنان باقی خواهد ماند و برای رفع این محرومیت‌ها چه باید کرد؟

به همین جهت ضروری به نظر می‌رسد موضوعاتی چون رفاه اجتماعی مورد توجه قرارگیری و دولت‌ها جهت کاهش فقر و محرومیت و حل معضل محرومیت اجتماعی، برنامه‌ریزی‌های مناسب و سیاست اجتماعی مطلوبی را جهت گسترش رفاه اجتماعی اتخاذ نمایند.

#### ۳-۴. شهرنشینی

یکی دیگر از عواملی که تأثیر زیادی در ارتکاب جرم دارد، «شهرنشینی» است. در کشورهای در حال توسعه که با مازاد نیروی کار در مناطق روستایی مواجه هستند و مهاجرت‌های بی‌رویه‌ای که از مناطق روستایی به سمت مناطق شهری صورت می‌گیرد، مناطق حاشیه‌نشینی در اطراف کلان‌شهرها را به وجود می‌آورد. این وضعیت باعث می‌شود که میلیون‌ها انسان با وضعیت ناهنجاری در حاشیه شهرها زندگی کنند که به دنبال این رویداد، هزینه ورود به جرائم کاهش یافته و ورود به آن تسهیل می‌شود (فطرس و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۸۵).

بر اساس تحقیقات به‌عمل آمده، نرخ رشد سالانه جمعیت در بیشتر کشورهای جهان سوم حدود ۲ تا ۳ درصد است. این در حالی است که نرخ شهرنشینی تقریباً دو برابر آن است. علت افزایش رشد شهرها هجوم امواج عظیم جمعیت مهاجران بیکار روستایی است. روستاهای که به دلیل مشکل کمبود اشتغال و درآمد، دیگر توانایی حفظ جمعیت خود را ندارند و نتیجه آن مهاجرت مردم به‌سوی شهرها و ایجاد زاغه‌نشینی و آلونک‌نشینی است (میرخلیلی، ۱۳۸۷: ۲۹۹).

زندگی شهری ویژگی‌های خاص خود را دارد که گاهی این ویژگی‌ها زمینه‌ساز بروز انحرافات و بزهکاری می‌گردد. برخی از ویژگی‌های جوامع شهری که در ایجاد انحرافات و بزهکاری افراد مؤثرند به شرح زیر بیان می‌گردد:

### ۱-۴-۳. بی‌نامی و گمنامی در شهر

این ویژگی، بیانگر وجود قشرهای مختلف است که در یک منطقه شهری زندگی می‌کنند و کمتر همدیگر را می‌شناسند. افراد در چنین مراکزی کمتر باهم در تماس هستند و در مواردی نیز بدون اینکه با نام یکدیگر آشنایی داشته باشند، باهم در ارتباط‌اند.

اگر آمار جرایم روستایی پایین‌تر از نرخ جرائم شهری است، این امر نه به دلیل مناسب‌تر بودن اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستاها نسبت به شهرهاست بلکه به دلیل همگونی و یکپارچگی فرهنگی موجود در روستاهاست، به نحوی که اگر فردی مرتکب جرم شود، باید نسبت به آحاد مردم محله پاسخگو و شرم‌منده باشد و چه بسا این خاطره ارتکاب جرم تا سال‌ها در اذهان مردم باقی بماند. همین امر مانع بزرگی بر سر راه ارتکاب جرم است که متأسفانه در شهرهای بزرگ گمنام بودن خود، یک عامل مؤثر در ازدیاد بزهکاری است.

### ۲-۴-۳. بحران مسکن

یکی دیگر از مشکلات زندگی شهری بحران مسکن و کاشانه است که در پی رشد سریع جوامع شهری به اشکال مختلفی بروز کرده است. این پدیده که عمدتاً ناشی از مهاجرت بی‌رویه و افزایش جمعیت است، بیشتر دامن‌گیر اقشار ضعیف‌تر در جامعه است.

### ۳-۴-۳. فاصله طبقاتی

یکی از مشخصات بارز جوامع شهری فاصله طبقاتی زیاد است. در این‌گونه جوامع، ثروتمندان از سطح زندگی بالا و تسهیلات فراوانی برخوردارند، در حالی که طبقات پایین و متوسط در نقاط شهری با مشکلات گوناگونی به لحاظ اقتصادی، اجتماعی، اسکان، وضعیت فرهنگی و نظایر آن مواجه هستند.

### ۴-۴-۳. عدم اشتغال

بیکاری و بحران اشتغال نیز تا حد زیادی در جوامع شهری تحت تأثیر پدیده مهاجرت و افزایش بی‌رویه جمعیت به وجود می‌آید. بیکاری هم به لحاظ اینکه موجب فقر و مشکلات مالی و اقتصادی است به‌عنوان ریشه و علت بزهکاری مطرح است و هم به‌عنوان ایجادکننده فرصت موقعیت ارتکاب جرم مورد توجه مباحث پیشگیری وضعی است (میر خلیلی، ۱۳۸۷، ۲۹۹).

علاوه بر موارد فوق، فقدان نظارت امنیتی، وجود تعداد زیادی افراد نیازمند، سطح پایین سواد، فقدان روشنایی کافی در معابر، وجود مخروبه‌ها و فضاهای خلوت که باعث می‌شود مجرمین در آنجا پناه گیرند و همچنین روی آوردن به مشاغل کاذب همه این موارد از معضلات زندگی شهری است که می‌توانند زمینه بزهکار شدن افراد را در جوامع شهری فراهم کند.

#### ۵-۴-۳. تورم

تورم از نظر علم اقتصاد، اشاره به افزایش سطح عمومی تولید پول، درآمدهای پولی یا قیمت است که عموماً به معنی افزایش غیرمتناسب سطح عمومی قیمت در نظر گرفته می‌شود؛ یعنی باید برای خرید کالا و خدمات پول بیشتری پرداخت شود. رابطه تورم و جرم، رابطه مثبتی است؛ زیرا با فرض ثابت بودن دستمزدها، افزایش تورم، منجر به کاهش قدرت خرید افراد و افزایش هزینه زندگی آن‌ها می‌شود. در چنین وضعی، افراد قادر به حفظ استانداردهای زندگی خود در سطح همانند قبل از افزایش تورم نیستند، بنابراین امکان افزایش میزان جرم وجود دارد. البته ناگفته نماند که کاهش قدرت خرید مردم به واسطه افزایش تورم، تدریجی است و به همین جهت این اثر سریع اتفاق نمی‌افتد. لذا این احتمال وجود دارد که فرد فقط برای حفظ استاندارد زندگی خود وارد فعالیت‌های مجرمانه شود. (صمدی، ۱۳۹۲: ۱۹۷)

آنچه بیان شد، بخشی از عواملی بود که در ارتکاب جرم، مؤثر واقع می‌شد. حال با توجه به اینکه عنوان این پژوهش «تأثیر سبک زندگی اسلامی بر پیشگیری از جرم» است، در ادامه به عواملی اشاره خواهد شد که از نظر دین اسلام تأثیر بسزایی در کاهش و جلوگیری از جرم دارد.

#### ۴. آموزه‌های اسلامی و تأثیر آن بر پیشگیری از جرم

با گذشت زمان، حقوقدانان با تلاش‌ها و تحقیقات خود به برخی از عوامل و نتایجی که اسلام برای جلوگیری و کاهش جرم بیان کرده است، رسیده‌اند و این موضوع می‌تواند رویکرد مثبتی برای جرم‌شناسی محسوب شود. آنان پس از تحقیقات و مطالعات گسترده در نهایت به یکسری از عواملی که می‌تواند در تشکیل شخصیت انسان تأثیر گذاشته و باعث کاهش

و در نتیجه پیشگیری از بزهکاری در افراد شود، اعتقاد پیدا کرده‌اند (علیزاده، ۱۳۸۲: ۸۱). در ادامه به بخشی از آن‌ها اشاره می‌شود:

#### ۱-۴. عوامل تأثیرگذار قبل از تولد

آنچه در سیر تحول جرم‌شناسی و ادوار گوناگون آن، ذهن جرم‌شناسان را به خود مشغول نموده است، جنبه زیست‌شناسی پدیده جنایی است. به طوری که پژوهش‌های بسیاری در این زمینه انجام شده و همیشه دانشمندان به دنبال پاسخ این سؤال بودند که آیا رفتارهای جنایی رابطه‌ای با وراثت دارد یا خیر؟

نتیجه تحقیقات آنان این بود که وراثت اگر چه علت تام برای بزهکاری محسوب نمی‌شود، اما بدون ارتباط و تأثیر نیز نمی‌باشد و می‌تواند در شخصیت بزهکار اثر بگذارد؛ به گونه‌ای که «زمینه» او را سست و ناپایدار ساخته و شخص را در تحول و شکل‌گیری شخصیتش و همچنین در برابر تأثیرات جرم‌زای محیطی حساس‌تر کند (علیزاده، ۱۳۸۲: ۸۲).

در دوران‌های که بشر اطلاعات چندانی از زیست‌شناسی، علم ژنتیک، چگونگی پیدایش جنین و انتقال خصوصیات والدین به فرزندان را نداشت، معارف وحیانی و ربوبی اسلام، با لسان آیات و روایات و تعابیر بسیار ساده و روان، اذهان اندیشمندان را به سوی موضوعات مهمی در این باره رهنمون ساخت و صاحبان اندیشه را نسبت به موضوعاتی از قبیل توارث و تأثیر آن در خلقت انسان و بقای نسل، انتقال خصوصیات والدین از طریق وراثت، تغییر وضع ژن‌ها و ایجاد جهش در ترکیب ژنتیکی فرد و همچنین اعمال و رفتارهای والدین که می‌تواند روی شخصیت فرزند تأثیرگذار باشد، آگاه ساخت. در ادامه توجه خوانندگان را به بخشی از اعمال و وظایفی که دین اسلام به عهده والدین گذاشته است جلب می‌کنم:

#### ۱-۱-۴. عنصر زمان

در منابع روایی، یکی از عواملی که بر ژنتیک و فرآیند تشکیل شخصیت فرزند ناشی از آن مؤثر شناخته شده «عنصر زمان» است که با حکم تکلیفی استحباب، نهی و کراهت، به والدین سفارش شده تا برای برقراری ارتباط جنسی، برخی از زمان‌ها را انتخاب و یا از برخی از زمان‌ها پرهیز کنند. مثلاً، پیامبر اسلام (ص) به حضرت علی علیه‌السلام سفارش نمودند: «یا علی! با همسرت در اول، وسط و آخر ماه (قمری) جماع مکن، ترس آن است که فرزند

کسی که چنین کند، دیوانه و ابله به دنیا آید.» (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۹۰)؛ لذا وظیفه والدین است که با توجه به دستورات دین اسلام و برنامه‌ریزی صحیح، نسبت به این مهم توجه بیشتری داشته باشند.

#### ۲-۱-۴. پرهیز از غذای حرام

دومین عامل که در تشکیل شخصیت فرزند تأثیر بسزای دارد، «پرهیز از غذای حرام» است. این مسئله در شرع مقدس اسلام تأکید فراوان شده است؛ به طوری که خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» (نساء، ۲۹)؛ یعنی ای اهل ایمان مال یکدیگر را به ناحق نخورید مگر اینکه تجارتي از روی رضایت باشد.

با توجه به آیه فوق، وظیفه والدین به خصوص مادران است، چه در زمان بارداری و چه قبل از آن، باید سعی نمایند که از خوردن مواد غذایی حرام و نجس امتناع کنند زیرا لقمه حرام تأثیر عجیبی روی شخصیت فرزند می‌گذارد. به عنوان مثال در بعضی از کتب تاریخی نقل شده است که وقتی طفل خردسالی مشک سقای را که از راه فروش آب، امرار معاش می‌کرد، پاره نمود، پدر آن طفل که مرد عالم و دانشمندی بود از همسرش پرسید که چرا پسرم چنین کاری انجام داده است در حالی که من در تربیت او کوتاهی نکردم؟ همسرش جواب داد: من در زمان بارداری با سوزن، اناری را که مال دیگری بود سوراخ کرده و مقداری از آب آن را چشیدم، ممکن است علت آن، چشیدن مقداری از آب آن اناری است که مال دیگری بوده است. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که سوراخ کردن مشک توسط طفل، عکس العمل مستقیم خوردن مال حرام توسط مادر، در دوران بارداری بوده است (شامبیاتی، ۱۳۹۵: ۱۷۹).

نمونه دیگر این که وقتی امام حسین (ع) در روز عاشورا برگشت به خیمه‌ها در حالی که سنگی به پیشانی‌اش اصابت کرده بود، خواهرش (زینب) پرسید: برادرم مگر خودت را معرفی نکردی؟ فرمود: خودم را معرفی کردم اما چون شکم‌های‌شان از حرام پر شده است، حرف حق در این‌ها تأثیری ندارد (مظاهری، ۱۳۸۰: ۴۵). این مطالب بیانگر این موضوع است که لقمه حرام تأثیر بسزایی در تشکیل شخصیت انسان دارد

## ۳-۱-۴. دعا کردن

عامل سوم که در منابع روایی به فرآیند ژنتیک و تشکیل شخصیت فرزند ناشی از آن، مؤثر شناخته شده «عامل دعا» است که با حکم تکلیفی استحباب، به والدین سفارش شده است هنگامی که می‌خواهند با یکدیگر ارتباط جنسی برقرار کنند، ابتدا دعا کنند و حتی چگونگی آن آموزش داده شده است. مثلاً امام صادق (ع) فرموده‌اند: «هرگاه می‌خواهی با همسرت ارتباط جنسی برقرار کنی، بگو: خدایا به من فرزندی که در خلقتش زیادی یا نقصانی نباشد، روزی کن و او را پرهیزگار و باهوش قرار بده و سرانجام زندگی او را نیک بگردان.» (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۸۲).

## ۴-۱-۴. دوری از صفات رذیله

چهارمین عامل تأثیرگذار بر روی ژنتیک و تشکیل شخصیت فرزند، «دوری از صفات رذیله» است. چنانکه پیامبر اسلام می‌فرماید: «السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ، وَالشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ»؛ یعنی خوشبخت کسی است که در شکم مادر خوشبخت باشد و بدبخت کسی است که در شکم مادر بدبخت باشد.

هرچند که سرنوشت هر شخصی به دست خودش رقم می‌خورد، چون خداوند انسان را مختار آفریده، ولی شالوده شقاوت و سعادت، در شکم مادر ریخته می‌شود. از زمانی که نطفه فرزند در رحم مادر منعقد می‌شود با روحیات مادر، بزرگ شده و پرورش می‌یابد. بنابراین، مادر، باید مواظب باشد تا صفات رذیله نداشته باشد؛ چون تمام صفات مادر، به فرزند منتقل می‌شود (مظاهری، ۱۳۸۰: ۶۶). به همین جهت است که اسلام، سفارش اکید بر ازدواج با خانواده‌های دارد که دارای اصل و نسب بوده و از مکارم اخلاق بهره برده باشند. چنانکه پیامبر اسلام در این باره می‌فرماید: «از خضراء دمن پرهیزید! سؤال شد یا رسول الله خضراء دمن چیست؟ فرمود: زن زیبای که از خانواده بد و پلید به وجود آمده باشد.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۴).

## ۵-۱-۴. دوری از هیجانات روحی

پنجمین عاملی که بر روی ژنتیک و تشکیل شخصیت فرزند تأثیر می‌گذارد، «هیجانات روحی است». زن باردار، باید از هیجانات روحی، اضطراب، استرس و هرگونه ناراحتی



دور نگه‌داشته شود؛ زیرا «زمانی که مادر، دستخوش هیجان می‌گردد، جنین فعالیت شدیدی از خود نشان می‌دهد و این رفتار، مدت طولانی ادامه می‌یابد. دلیل فیزیولوژی این کیفیت، به‌واسطه ترشحات هورمون‌های است که در هیجان‌ها مؤثرند. هنگام خشم، غدد داخلی به‌خصوص فوق کلیوی فعالیت می‌کنند و ترشحات آن‌ها از راه جفت به جنین منتقل می‌شود. در نتیجه گردش خون جنین دچار اختلال می‌گردد و سبب فعالیت بیشتر او خواهد شد ... هنگام تولد، این نوزاد از هر جهت عصبی است؛ زیرا نتیجه محیط نامناسب جنینی می‌باشد.» (کی‌نیا، ۱۳۷۰: ۱۳۷). با توجه به مطالب فوق، نتیجه می‌گیریم نوزادی که در چنین شرایطی متولد شود، احتمال بزه‌کار شدن آن به مراتب بیشتر است.

#### ۲-۴. عوامل تأثیرگذار بعد از تولد

کودکان برای هم انسان‌ها عزیز و گرامی هستند. والدین نه‌تنها فرزندان خود را دوست دارند بلکه بر پایه عواطف انسانی به تمام کودکان با مهر و محبت می‌نگرند و هرگاه لازم باشد از آنان حمایت می‌کنند. آنچه مهم است این است که دین اسلام نیز، بر این مسئله تأکید فراوان دارد؛ زیرا آینده بشریت به نحوه تعلیم و تربیت و انسانیت آنان بستگی خواهد داشت. به همین جهت آنان را مورد توجه خاص قرار داده و شایسته حمایت‌ها و مواظبت‌های بیشتری دانسته است. در ادامه به پاره‌ای از توصیه‌های پرداخته می‌شود که اسلام برای والدین دارد و در پیشگیری از بزه‌کاری فرزندان مؤثرند.

#### ۱-۲-۴. ایجاد محیطی آرام و سالم در خانواده

از هنگامی که نوزاد چشم به جهان می‌گشاید به محبت، توجه، لبخند و مواظبت نیازمند است. محیط امن و آرام در خانواده برای هر کودک و نوجوانی باید بر اثر توجهات والدین و محبت آنان نسبت به یکدیگر به وجود آید تا فرزندان بتوانند بدون هیچ‌گونه ناراحتی در محیطی مناسب، دوران طفولیت و نوجوانی خود را سپری کنند. برخوردهای صمیمانه و همراه با احترام میان پدر و مادر در تربیت فرزند بسیار مؤثر است. اگر در مواردی مشکلات و مسائلی در روابط والدین وجود داشته باشد، لازم است این مسائل را نزد فرزندان آشکار نکنند؛ زیرا اگر احیاناً یکی از والدین یا هر دو به انتقاد و بدگویی از طرف مقابل بپردازد، یا پدر، مادر را نزد فرزندان مورد اهانت قرار داده یا تحقیر کند یا اینکه مادر، شخصیت پدر را

نادیده بگیرد، چگونه می‌توان از فرزندان انتظار داشت تا به والدین و دیگران احترام بگذارند (شامبیاتی، ۱۳۹۵: ۲۶۱).

پس باید در خانواده باید سعی شود با گذشت و سازش، روابط صمیمانه را روزبه‌روز مستحکم‌تر ساخته و با انتظارات نامعقول و سخت‌گیری نابجا، صمیمیت به سردی و بی‌تفاوتی و احیاناً خصومت و درگیری تبدیل نشود که در این صورت اولین کسی که ضربه خواهد خورد، فرزندان معصوم و بی‌گناه می‌باشند.

#### ۲-۲-۴. تأمین نیازهای مادی و معنوی فرزندان

یکی از عوامل تأثیرگذار در پیشگیری از بزهکاری فرزندان، تأمین نیازهای مادی و معنوی آنان است. همه کودکان باید از تغذیه، پوشاک و تفریحات مناسب برخوردار باشند؛ زیرا اگر کودک و نوجوان احساس کند که نیازهای مادی و معنوی‌اش، به میزان دیگر کودکان و نوجوانان برآورده نمی‌شود، نوعی سرکشی و ستیزه‌جویی در او به وجود خواهد آمد.

امروزه اکثر کودکان در فضای تنگ آپارتمان‌ها اسیر شده و محل ورزش و تفریح آنان در محوطه اتاق‌ها، کوچه‌ها یا خیابان‌هاست. تنهایی، بی‌کاری، نداشتن تحرک و فعالیت، نداشتن سرگرمی‌هایی که توجه و علاقه طفل و نوجوان را به خود جلب کند، از عوامل ایجاد انحراف و بزهکاری است؛ زیرا در این سنین کودکان و نوجوانان از انرژی فراوانی برخوردارند که باید به گونه سالم صرف شده و در وجود آن‌ها انباشته نشود. به همین جهت باید به تناسب امکانات خانواده، تدابیری اندیشیده شود تا کودکان و نوجوانان اوقات فراغت خود را به‌ویژه در ایام تعطیل در راه‌های مفید و سالم صرف کنند.

لذا عادت دادن آنان به مطالعات سالم و سازنده، مشغول نمودن آنان به ورزش‌ها و تفریحات سالم و دورنگه داشتن آنان از سرگرمی‌های که باعث آلوده شدن فکر و روحشان می‌شود بسیار مفید و ثمربخش است؛ زیرا رعایت موارد فوق، نوجوانان را، هم از مفاسد بیکاری، بطالت و کشیده شدن به سمت بزهکاری در امان نگه‌داشته و هم مهارت‌ها و آموزش‌های مفیدی را که به درد زندگی آینده آنان می‌خورد، فرامی‌گیرند (شامبیاتی، ۱۳۹۵: ۲۷۳).

## ۳-۲-۴. تعلیم و تربیت صحیح فرزندان

بعد از محیط خانواده، محیط مدرسه می‌تواند از عوامل تأثیرگذار در پیشگیری از بزهکاری فرزندان باشد. چون مدرسه، اولین محیط اجتماعی است که کودک و نوجوان ناچار است خود را با نظم و قوانین آن هماهنگ سازد. این نظم و ترتیب مسلماً از قوانین و مقررات حاکم در خانواده رسمی‌تر و اطاعت از آن لازم است. مدرسه به‌عنوان یک واحد کنترل اجتماعی علاوه بر اینکه به دانش‌آموز رعایت نظم و مقررات را می‌آموزد، همچنین به آنان یاد می‌دهد که با تلاش و کوشش و رفتار مناسب است که می‌تواند پاداش مناسب بگیرد. در اهمیت تعلیم و تربیت همین بس که شکوفا شدن استعدادها و به‌فعلیت رسیدن قوای آدمی و تحقق گوهر وجود او، در گرو آن است و تعلیم و تربیت صحیح، در حقیقت شرط لازم کمال آدمی است.

با توجه به آیه قرآن که می‌فرماید: «أَوْ مَنْ كَانَ مَبِينًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ» (انعام، ۱۲۲)؛ یعنی آیا کسی که (از نظر عقلی و روحی) مرده بود ما او را (به نیروی علم و ایمان) زنده کردیم و برای او، نوری (از دانش) قرار دادیم تا به‌وسیله او در میان مردم حرکت کند، مانند کسی است که در تاریکی جهل فرو رفته و راهی به خارج ندارد.

می‌توان گفت هدایت و رشد صحیح فردی و اجتماعی و پرورش استعدادهای آدمی، منوط به تعلیم و تربیت صحیح است. اگر آدمی زیر نظر مربیان الهی تربیت شود، فرشته‌خو می‌گردد و گاه از فرشتگان فراتر می‌رود و گر نه به قهقرا رفته و به مرتبه حیوانات و پایین‌تر از آن تنزل خواهد کرد.

نظر به اهمیت تعلیم و تربیت، بزرگان علم اخلاق، تعلیم و تربیت را «اشرف صناعات» و برترین دانش‌ها دانسته‌اند. ثمره تعلیم و تربیت صحیح، به اصلاح فرد منحصر نمی‌شود، بلکه جامعه را هم متحول می‌کند. با نگرش دقیق ساختار روحی و روانی انسان، ضرورت و اهمیت تعلیم و تربیت صحیح، رُخ می‌نماید؛ زیرا کمال و سعادت انسان، در پرتو تلاش و حرکت و تعلیم و تربیت به دست می‌آید. تربیت یا آموزش و پرورش، با رشد و تکامل، رابطه تنگاتنگی دارد؛ یعنی رشد و تکامل، باعث ظهور استعدادهای می‌شود. آموزش و پرورش، آن‌ها

را تحقق بخشیده و جهت می دهد. (شعاری نژاد، ۱۳۷۵: ۳۳۸)

### ۳-۲-۴. نظارت و کنترل در استفاده از اینترنت

اینترنت از جمله فناوری‌هایی است که پیش از آنکه والدین و کودکان آماده مواجهه با آن باشند، بی‌هوا به زندگی ما وارد شد. این فناوری در کنار تمام آسیب‌های بالقوه‌ای که می‌تواند داشته باشد، بستری فوق‌العاده برای به اشتراک گذاشتن دانش و تجربه‌های بشری است. می‌توان با آموزش استفاده از این تکنولوژی به کودکان، آن‌ها را خلاق، کنجکاو و توانمند نمود. برای توفیق یافتن در این خصوص، والدین باید در ابتدا به این نکته توجه داشته باشند که کودکانشان نباید بیشتر از آن‌ها به اینترنت و ابزار مرتبط با آن، اشراف داشته باشند؛ اما این بدان معنی نیست که مانعی برای یادگیری کودکان در این حوزه باشید تا آنان همواره کمتر از شما بدانند؛ بلکه می‌بایست با وجود مرارت‌هایی که ممکن است به اقتضای سن و مشغله‌های ذهنی برای یادگیری شما وجود داشته باشد، همواره به دنبال بالا بردن دانش خود از اینترنت باشید؛ زیرا تا زمانی که ندانید اینترنت چیست و چه ویژگی‌هایی دارد، چگونه می‌توان از آن بهره برد، نمی‌توانید وساطت‌کننده خوبی برای کودکان به منظور مواجهه با دنیای مجازی باشید.

یکی از ویژگی‌های قابل توجه اینترنت، قدرت جذب مخاطبان در رده‌های سنی متفاوت است. تعداد بسیار زیادی از کاربران اینترنت را کودکان و نوجوانانی تشکیل می‌دهند که باعلاقه بسیار زیاد ساعت‌های متمادی از وقت خود را صرف استفاده از اینترنت می‌نمایند. اینترنت می‌تواند مکانی بزرگ برای کودکان و نوجوانان به منظور انجام فعالیت‌های سودمندی نظیر آموزش، سرگرمی، ارتباط با دوستان هم‌کلاسی و سایر موارد دیگر باشد. از طرف دیگر، اینترنت نیز همانند دنیای واقعی، می‌تواند به محلی خطرناک برای کودکان و نوجوانان تبدیل شود.

آیا فرزندان ما با نحوه استفاده ایمن از اینترنت آشنا شده‌اند؟ مسئولیت این کاربر عهده کیست؟ بدون شک، والدین دارای نقشی اساسی در این رابطه می‌باشند. آنان می‌بایست قبل از این که به فرزندان خود اجازه استفاده از اینترنت را بدون نظارت خاصی بدهند، مجموعه قوانین و توصیه‌های لازم به منظور استفاده ایمن از اینترنت را به آنان آموزش دهند.

### ۵-۲-۴. دقت و نظارت در انتخاب دوست

«دوستی» کلمه ارزشمندی است و هرکس را نمی‌توان «دوست» نامید. پس این‌طور نیست که هرکس به انسان لبخندی زد و ادعای دوستی و رفاقت نمود، لایق عنوان ارزشمند «دوست» باشد، بلکه دوست خوب و شایسته، صفات و ویژگی‌هایی دارد. دوست آن‌کسی است که انسان را در راه دینش یاری دهد. دوست انسان کسی است که او را از بدی‌ها بازدارد. امام علی (ع) می‌فرماید: «اگر خواستی دوستی انتخاب کنی، با کسی دوست شو که باعث افتخارت باشد... اگر در دوست خود این سه خصلت را دیدی به او امید داشته باش: حیا، امانت و راستی. بر تو باد یاران راست‌گو، پس بسیار با آنان دوستی کن چراکه آن‌ها ذخیره‌اند هنگام رفاه و سپر بلایند هنگام تنگدستی و در سخنانت با کسی مشورت کن که از خدا بترسد و دوستان را به اندازه تقوایشان دوست بدار». همچنین حضرت علی (ع) فرمود: «دوست واقعی نیست مگر این‌که در سه وقت برادر خود را حفظ کند و او را از یاد نبرد، در گرفتاری‌اش، پشت سرش و پس از مردنش»

لذا بر والدین لازم است تا فرزندانشان با افرادی ارتباط برقرار کرده و با آنان دوست شوند که افراد سالم و صالحی باشند تا فرزندانشان را به سوی بزهکاری و جرم سوق ندهند.

### ۳-۴. عوامل تأثیرگذار بعد از بلوغ

یکسری از عواملی که باعث می‌شود با رعایت و به‌کارگیری آن‌ها در زندگی، تأثیر بسزایی در پیشگیری و کاهش ارتکاب جرم داشته و خود انسان باید آن‌ها را یاد گرفته و در زندگی فردی و اجتماعی خود پیاده کند، عوامل زیر می‌باشند:

#### ۱-۳-۴. اعتقاد به خداوند

ایمان به خدا و اعتقاد به حضور او و اینکه همه ما، در هر شرایطی در محضر خدا هستیم، از اساسی‌ترین عوامل پیشگیری از گناه (جرم) است. نقشی که این عقیده در جلوگیری انسان از گناه و سرکوب‌گرایی حیوانی دارد، هیچ‌چیز دیگر، چنین اثر و نقشی ندارد. قدرت ایمان به خدا و یاد او، در ریشه‌کن نمودن جرم، از همه قدرت‌ها نیرومندتر است. سازمان‌های پلیسی و مؤسسات اصلاحی، هرچند قوی و گسترده باشند، قادر به جلوگیری از گناهان (جرائم) مخفی نیستند. ولی ایمان درونی می‌تواند نقش مهمی در بازدارندگی انسان از گناهان آشکار

و پنهان ایفا کند. بر همین اساس در آیات و روایات، بر نقش ایمان برای بازداري از گناه، بسیار تکیه شده است (توسلی و صادقی، ۱۳۹۴: ۵۲)

آیاتی زیادی دلالت بر این دارند که خداوند بر همه اعمال و رفتارهای ما ناظر است: «الم يعلم بأنّ الله يرى» (علق، ۱۴) یعنی آیا انسان نمی داند که خداوند همه اعمالش را می بیند؟ «ان ربک لبالمرصاد» (فجر/۱۴) یعنی قطعاً پروردگارت در کمینگاه است. «يعلم خائنة الاعین و ما تخفی الصدور» (غافر، ۱۹) یعنی خداوند چشم‌های را که به خیانت گردش می کند می داند و بر آنچه در سینه‌ها پنهان است آگاه می باشد. همه این آیات گویای این مطلب است که ما، در محضر خداوند هستیم و در پنهان و آشکار هر کاری بکنیم، اطلاع دارد. حتی به تصورات ذهنی ما آگاه بوده و همیشه در کمین انسان گناه کار است.

## ۲-۳-۲. اعتقاد به معاد

ایمان به معاد، یعنی ایمان به یک زندگی ابدی؛ یعنی ایمان به دریافت کیفر و پاداش اعمالی که ما در دنیا انجام داده‌ایم؛ یعنی هیچ کدام از کارهای نیک و بد ما، نه تنها نابود نشده بلکه انسان درگرو اعمال خود است و در روز رستاخیز با عملکرد خود مواجه می شود. چنانکه خداوند متعال در قرآن می فرماید: «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحَضَّرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ» (آل عمران، ۳۰) یعنی روزی که هرکسی آنچه کار نیک به جای آورد و آنچه بدی مرتکب شده حاضر شده می یابد و آرزو می کند کاش میان او و کارهای بد، فاصله دور بود و خداوند شما را از کیفر خود می ترساند و خدا به بندگان خود مهربان است. با توجه به آیه فوق اگر انسان معتقد به وجود روز قیامت بوده و بداند که آنچه در این دنیا انجام داده، به خصوص به خاطر اعمال زشت و ناپسند باید در پیشگاه خداوند جوابگو باشد، هرگز مرتکب گناه (جرم) نخواهد شد؛ زیرا آنچه در انسان قدرت مقاومت در برابر لغزش‌ها و جرائم را ایجاد می کند، ایمان و اعتقاد راسخ به خداوند و روز قیامت است. وقتی کسی به جهان آخرت یقین داشته و خود را در پیشگاه خداوند مسئول دید، همواره مراقب اعمال خویش بوده و نیازی به مراقبت پلیس و ترس از قوانین ندارد.

## ۳-۳-۲. اقامه نماز

امروزه یکی از روش‌های رایج برای درمان و اصلاح بزهکاران و پیشگیری از وقوع جرم در بیشتر کشورهای دنیا، شیوه «مذهب‌درمانی» است و یکی از بهترین عوامل بازدارنده از ارتکاب جرم که اثر بسیار مهمی دارد، عامل نماز است. زمانی که در جامعه‌ای نقش مذهب و عوامل معنوی پررنگ می‌شود، بی‌شک میزان جرم و جنایت نیز کاهش می‌یابد به گونه‌ای که در بررسی و تحقیقات صورت گرفته مشخص شده است که غالب مجرمان افرادی دور شده از دین هستند و در خانواده‌های پرورش یافته‌اند که ارزش‌های معنوی در آن‌ها کمرنگ شده و ارزش‌های مادی جای آن را گرفته است.

در اسلام انجام اعمال عبادی همچون نماز، از جمله راهکارهایی است که می‌تواند نقش بازدارنده در ارتکاب جرائم داشته باشد؛ و مهم‌ترین اثری که برای نماز بر می‌شمرند، بازدارندگی و دوری از گناه و جرم، از جمله جرائم مالی، مانند سرقت است که اگر در جامعه‌ای رواج پیدا کند، بسیاری از هنجارهای اجتماعی شکسته می‌شود. اما نماز انسان را از این عمل زشت بازمی‌دارد (قبادیان و روشن پور، ۱۳۹۵: ۴۷)

نماز به‌عنوان یک عامل تربیتی، نمازگزار را به سوی درستی و صحت سوق داده و قوه تشخیص را در او بارور ساخته و این امکان را به او می‌دهد که راه صواب را انتخاب کرده و در هنگام مواجهه با گناه، به او هشدار داده و از ارتکاب معصیت دور نگه می‌دارد. چنانکه خداوند می‌فرماید: «واقم الصلاة انّ الصلاة تنهى عن الفحشاء والمنکر» (عنکبوت، ۴۵) یعنی نماز را بر پا دار، بدرستی که نماز، بازدارنده از فحشا و منکر است.

## ۴-۳-۲. انفاق و احسان

یکی دیگر از آموزه‌های اسلامی که دارای اثر بازدارندگی از جرم است، انفاق مال به افراد نیازمند است؛ زیرا به تجربه ثابت شده است که سهم قابل توجهی از آمار جرائم، به‌ویژه جرائم مالی، ناشی از فقر و محرومیت‌های مادی شخص مرتکب جرم است. هر چند که عامل فقر، تنها علت جرم نیست ولی نقش عمده‌ای در وقوع جرم ایفا می‌کند و در شرایطی می‌تواند منشأ سوق دادن فرد فقیر به طرف جرم شود. از این رو در آیات قرآن کریم برای رفع محرومیت و تأمین نیازمندی‌های طبقات محروم جامعه راه‌های خاصی در نظر گرفته شده که عمده‌ترین

آن‌ها انفاق مال است، بدین معنی که انسان از آنچه که افزون به نیاز خود دارد، به نیازمندان انفاق کند (توسلی و صادقی، ۱۳۹۴: ۵۷).

انفاق، آثار فردی و اجتماعی متعددی دارد. اثر فردی آن، تقرب به خداوند و بخشیده شدن گناهان است که در آیات متعددی به آن اشاره شده است. از جمله می‌فرماید: «لَنْ تَأْلُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» (آل عمران، ۹۲)؛ یعنی هرگز به نیکی (قرب الهی) نمی‌رسید مگر از آنچه که دوست دارید در راه خدا انفاق کنید و همچنین می‌فرماید: «إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ يُكْفِّرْ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (بقره، ۲۷۱)؛ یعنی اگر صدقه‌ها را آشکار کنید، کاری نیکو است و اگر آن‌ها را پنهان داشته و به تهی‌دستان دهید، برای شما بهتر است و خداوند گناهانتان را محو می‌کند و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

از آثار اجتماعی انفاق، می‌توان حل مشکل فاصله طبقاتی، اصلاح جامعه و جلوگیری از وقوع جرم را بیان نمود؛ زیرا بسیاری از جرایم، ریشه در فقر دارد. اگر در جامعه‌ای روح تعاون و کمک در آن حاکم باشد و مردم فقرا را در اموال خود شریک دانسته و برای آن‌ها، حقی قائل باشند، شاهد کاهش چشمگیر جرائم، از جمله جرایمی که ریشه در مشکلات مالی دارد، خواهیم بود.

### ۵-۳-۲. دوری از تجملات

از جمله عواملی که در ساختن شخصیت انسان اثر قابل ملاحظه‌ای دارد و در دوران بلوغ و جوانی به صورت‌های مختلف آشکار می‌گردد، وضع اقتصادی و مالی خانواده‌هاست. زیرا خانواده‌هایی که وضع مالی عادی داشته و تمایلات‌شان به اندازه باشند، اگر با موانع دیگری روبه‌رو نشوند، شخصیت‌شان به خوبی پرورش خواهند یافت. اما خانواده‌های که با ثروت بی حساب خود به خواسته‌ها و تمایلات نابجای فرزندانشان جامه عمل پوشانده و زمینه خودخواهی و هواپرستی آنان را فراهم نمایند، نتیجه جز انحراف آنان در بر نخواهد داشت (حیدری نراقی، ۱۳۸۴: ۷۲)؛ چنان‌که خداوند در قرآن می‌فرماید: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّغِي أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَىٰ» (علق، ۶)؛ یعنی انسان به سرکشی و طغیان می‌گراید وقتی خودش را غنی و بی‌نیاز می‌بیند.



ضمن اینکه پرهیز از تجملات و تشریفات ظاهری دنیا، شیوهٔ پیامبران و اولیای الهی و بندگان خالص خداوند است، امروزه با توجه به شرایط اقتصادی مردم، روش مؤثری برای مقابله با تهاجم فرهنگی نیز است که از طریق رسانه‌های جمعی باید به مردم آموزش داده شود.

### ۶-۳-۲. صبر و بردباری

از دیگر عواملی که در کاهش و یا پیشگیری از جرم می‌تواند نقش مهمی داشته باشد، صبر و بردباری است؛ زیرا هرگاه انسان در برابر مشکلات، به‌ویژه مشکلات مالی و اقتصادی صبر پیشه کرده و این صفت را در خود تقویت کند، مسلماً بر مشکلات پیروز خواهد شد. چون صبر از نشانه‌های ایمان و توکل بر خداست و مبادرت به آن جزای بهشت را دارد. در واقع در ساختار شخصیت آدمی چنان تأثیری می‌گذارد که حرکت به سوی کمال را سرلوحه امور خود قرار می‌دهد و در چنین مسیری که سیر الی الله است، بزه و بزهکاری جایگاهی نخواهد داشت (توسلی و صادقی، ۱۳۹۴: ۶۴).

زندگی انسان در دنیا آمیخته با مشکلات و تعارض‌های فراوانی است. اگر انسان در برابر آن‌ها بایستد و صبر و مقاومت داشته باشد، حتماً پیروز خواهد شد و اگر ناشکیبایی کند و در برابر حوادث ناگوار زانو بزند، هیچ‌گاه به مقصد نخواهد رسید. از این روی در منابع دینی، صبر و پیروزی قرین هم شمرده شده‌اند. صبر به فرد امکان می‌دهد در زمان مناسب، رفتار و واکنش مناسب و متناسب با رفتار فرد خطاکار از خود نشان دهد. طبیعی است که در یک خانواده، به علت همراهی طولانی مدت اعضای آن، اختلافاتی پیش می‌آید و اگر هر عضوی بخواهد فقط به خواسته‌های خود بیندیشد و به دنبال رسیدن به آن‌ها و ارضای نیازهای فردی باشد و در مقابل کمبودها از خود بی‌صبری نشان دهد، نمی‌تواند به خوشبختی و اهداف خود برسد.

فرزندانی که در خانواده‌های بی‌صبر و عجول پرورش یافته‌اند، در اجتماع نیز دچار مشکل می‌شوند، زیرا همیشه و در همه‌جا شرایط فراهم نیست که خواسته‌های آن‌ها برآورده شود. شخصی که صبر ندارد، می‌پندارد هر چه در اجتماع خواست، فوراً در اختیارش قرار می‌گیرد؛ اما وقتی به خواسته‌های خود نرسد، در مقابل اجتماع واکنش‌های نامطلوب از خود نشان

می دهد و این امر در بسیاری از موارد موجب دردرسر برای فرد و خانواده اش می شود، بنابراین صبر، نه تنها عامل تضمین کارآمدی خانواده است؛ بلکه کارآمدی جامعه انسانی را نیز تأمین می کند. اینکه خداوند می فرماید صبر عامل پیروزی مجاهدان است، تنها ثمره منحصر به جبهه جنگ و مجاهدان نیست. بلکه در همه عرصه های زندگی، انسان به صبر و مقاومت نیاز دارد تا به پیروزی برسد. پیروزی در خانواده بدین معناست که انسان با تشکیل خانواده کارآمد، به کمال و بالندگی برسد (توسلی و صادقی، ۱۳۹۴: ۶۶).

### ۷-۳-۲. قناعت

قناعت، یکی از ویژگی های افراد باایمان و از امتیازات انسان های بافضیلت است. افراد خودساخته و وارسته که دارای روحیه قناعت و عزت هستند، در پرتو این روحیه عالی هیچ گاه چشم طمع به مال و منال دیگران ندوخته و برای کسب مال و مقام شخصیت خود را خرد نکرده و برای به دست آوردن آن دست به هر کاری نمی زنند. افراد قانع، در زندگی به مقدار ضرورت و کفاف بسنده کرده و به کمتر از آن هم خوشنودند. مهم ترین بارزه صفت قناعت، همان رضایت خاطر و روحیه بالای انسان های قانع، نسبت به مقدرات عالم است.

قناعت از مکارم اخلاق و از خصایص پیامبر اکرم است (قلی پور مازندرانی، ۱۳۸۵: ۲۴۳). ماهم به پیروی و تأسی از آن بزرگوار که اسوه و الگوی ما است، باید خود را به این صفت متّصف کنیم. زیرا امام صادق (ع) می فرماید: «من قنع بما رزقه الله فهو من اغنی الناس» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۳۹)؛ یعنی هرکس به آنچه خداوند روزی کرده قناعت کند، از بی نیازترین مردمان است. بنابراین اگر انسان ها صفت قناعت را در خودشان تقویت کرده و عزت نفس داشته باشند، نه تنها به سراغ جرم و بزهکاری نمی رود، بلکه زندگی خوب و آرامی را نیز می تواند تجربه کند.

### نتیجه گیری

در این پژوهش سعی بر آن بود تا ضمن بیان مباحثی، از تأثیر سبک زندگی اسلامی بر روی افراد، خانواده و جامعه سخن گفته شود و اینکه سبک زندگی اسلامی چگونه می تواند مانع از بزهکار شدن افراد شده و در نتیجه باعث پیشگیری از ارتکاب جرم گردد. همچنین بیان

شد که عوامل مختلفی از جمله فقر، بیکاری، محرومیت اجتماعی، شهرنشینی، تورم و... در ارتکاب جرم، از جمله جرائم مالی تأثیرگذارند. برای اینکه بتوانیم در کاهش و جلوگیری از ارتکاب جرم برنامه‌ریزی داشته و آن را با موفقیت اجرا کنیم، بهترین راه، عمل به دستورات و آموزه‌های اسلام است. محتوای دین و آموزه‌های آن، اموری است که اگر به‌طور صحیح و در چارچوب دین بیان شده و به‌درستی برای مردم در جامعه تحقق یابد، آن جامعه را به میزان زیادی از ناهنجاری‌ها و انحراف‌ها دور نگه خواهد داشت.

دین اسلام به افراد و خانواده‌ها می‌آموزد که در مرحله اول، این پدر و مادر است که قبل از تولد فرزند با انجام یکسری دستورات، از قبیل دعا کردن قبل از عمل زناشویی، از خداوند بخواهند تا برای آن‌ها فرزند صالح و باتقوا عنایت کند و دیگر اینکه از خوردن لقمه حرام و شبهه‌ناک پرهیز نموده و همچنین از مجامعت در زمانه‌ای که اسلام منع کرده خودداری کنند و بر والدین لازم است برای اینکه فرزند خوبی داشته باشند، صفات رذیله را از خودشان دور کرده و متخلق به اخلاق حسنه شوند و مادر نیز، در هنگام بارداری باید از هیجان‌ات روحی و استرس‌ها دور نگه داشته شود تا اثر منفی روی جنین نگذارد.

همچنین دین اسلام به والدین دستور می‌دهد که بعد از تولد فرزندشان، با فراهم نمودن محیطی آرام، برقراری روابط صمیمی با فرزندان، ابراز محبت به آن‌ها، مشورت کردن با آنان، حفظ شخصیت فرزندان، تأمین نیازهای مادی و معنوی، مشورت کردن و تحت تعلیم و تربیت صحیح قرار دادن فرزندان خود، زمینه رشد و بالندگی آن‌ها را فراهم نموده و از کشیده شدن آنان به سمت بزهکاری جلوگیری کنند.

با توجه به آموزه‌های اسلامی، بر خود افراد لازم است تا با اعتقاد به خداوند و اینکه او، همیشه ناظر بر رفتار و گفتار انسان است و همچنین عقیده داشتن به معاد و اینکه هر انسانی در روز قیامت باید پاسخگوی اعمال خودش باشد و پاداش و یا کیفر اعمال خود را ببیند و همچنین با انجام دستورات خداوند از قبیل، به پا داشتن نماز و دست‌گیری از مستمندان با انفاق مال خود و همچنین با قناعت پیشه کردن و برخورد صحیح با اطرافیان و داشتن اخلاق نیکو، صبر و بردباری در مقابل مشکلات و گرفتاری‌ها، درصدد جلب رضایت الهی برآمده و تلاش کند تا با دوری از گناه و جرم، در پیشگاه خداوند سربلند زندگی کند.

## منابع

قرآن کریم.

۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر
۲. تقی‌پور، علیرضا، (۱۳۹۳). پیشگیری غیر کیفری از جرم در نهج البلاغه، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال دوم، شماره ۵
۳. توسلی، محمدحسین و صادقی، محمدامین (۱۳۹۴). آموزه‌های اسلامی پیشگیری از جرم، فصلنامه علمی-ترویجی بصیرت و تربیت اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۳۲.
۴. حرعاملی، محمد (۱۴۱۴). وسائل الشیعه، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، داراحیاء التراث العربی
۵. شامیاتی، هوشنگ (۱۳۹۵). بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، انتشارات مجد.
۶. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۷۵). مبانی روان‌شناختی تربیت، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۷. صادقی، حسین و همکاران (۱۳۸۴). تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۸.
۸. صمدی، علی‌حسین (۱۳۹۲). تورم، بیکاری و جرائم اقتصادی، مجله رفاه اجتماعی، شماره ۵۱.
۹. علیزاده، مهدی (۱۳۸۲). نقش اسلام در پیشگیری و کاهش بزهکاری، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۱۰. فطرس، محمدحسن و همکاران (۱۳۹۱). اثرات فقر، بیکاری و شهرنشینی بر جرائم علیه اموال در استان‌های ایران، مجله رفاه اجتماعی، شماره ۴۶.
۱۱. قبادیان، مسلم و روشن‌پور، امین (۱۳۹۵). نقش نماز و سبک زندگی اسلامی در پیشگیری از بزهکاری، مجله مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، شماره ۱۰.
۱۲. قلی‌پور مازندرانی، قاسم (۱۳۸۵). سی‌گوهر شب‌چراغ، مشهد، نشر یوسف فاطمه.

۱۳. کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۰). جامعه‌شناسی جنایی، تهران، دانشگاه تهران.
۱۴. کی‌نیا، مهدی (۱۳۸۲). مبانی جرم‌شناسی، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۶. محمدزاده، زینب (۱۳۹۵). بررسی سبک زندگی اسلامی بر روابط فردی-اجتماعی و خانوادگی افراد، مجله تحقیقات جدید در علوم انسانی، سال دوم، شماره ۳.
۱۷. مظاهری، حسین (۱۳۸۰). تربیت فرزند از نظر اسلام، قم، انتشارات ام‌ابیه.
۱۸. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی.
۱۹. میر خلیلی، سید محمود (۱۳۸۷). توسعه شهرها و ضرورت پیشگیری وضعی از بزهکاری، فصلنامه حقوق، شماره ۳.
۲۰. ----- (۱۳۸۸). پیشگیری وضعی از بزهکاری، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۱. ----- (۱۳۹۰). سد ذرائع و پیشگیری از بزهکاری در آموزه‌های اسلامی، نشریه حقوق اسلامی، شماره ۳۱.